



یک مطالعه تطبیقی پیرامون نهاد قانونگذاری در دو کشور خلیج فارس

قانونگذاری در عربستان و کویت

جواد رکابی شهرباف

اشاره:

آن چه که در صفحات آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت، بررسی تطبیقی نهادهای قانونگذاری و ویژگی‌های آن در دو کشور مهم منطقه خلیج فارس است.

کویت، پس از ایران، دومین کشوری است که صاحب قانون اساسی شده است. قانون اساسی کویت که به سال ۱۹۶۲ میلادی به امضای امیر کویت رسیده، دارای ۱۸۳ اصل است و در سال ۱۹۸۰ در آن بازننگری صورت گرفته است. در میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، کویت تنها کشوری است که در مقایسه با دیگران، از نظر ساختار حکومتی، وضعیت روشن‌تری دارد. این کشور دارای نهادهای لیبرالی، احزاب و از همه مهمتر، پارلمان است که پس از یک دوره نسبتاً طولانی

فطرت و تعطیلی، مجدداً شروع به کار کرده و می‌خواهد نقش نسبتاً فعالی را در طرح خواسته‌های مردم بر عهده بگیرد.

عربستان سعودی کشوری که به عنوان خاستگاه تاریخ اسلام شناخته می‌شود، متأسفانه تاکنون از داشتن قانون اساسی و پارلمان محروم بوده است. در سال ۱۴۱۲ هجری قمری (۱۹۹۲ میلادی) پادشاه عربستان، متن قانون اساسی آن کشور و همچنین نظامنامه تشکیل مجلس را منتشر ساخت. هنوز بسیار زود است تا در مورد اثرات آن، بحث و بررسی صورت بگیرد. خاصه آن که هر دو نهاد ذکر شده، فعلاً در حد مکتوب و حرف باقی مانده و به مرحله عمل و اجرا نرسیده است. در هر حال آن چه که در این مطالعه در مورد عربستان ملاک بررسی قرار گرفته متن منتشر شده قانون اساسی است

که دارای ۹ فصل و ۱۸۳ اصل می‌باشد.

نکته مهمی که در این تحقیق ملاک و محور قرار گرفته نوعی بررسی ساختاری نهادهای قانونگذاری در این دو کشور است. طبیعتاً همانند سایر پدیده‌های سیاسی، میان گفته‌ها و نوشته‌ها و در اجرا تفاوت فراوانی وجود دارد که خود نیازمند بحث جداگانه‌ای است. برای روشن شدن دایره بحث، عناوین مورد بررسی در چهار عنوان کلی به شرح ذیل مطرح گردیده است:

- ۱ - جایگاه مجلس،
- ۲ - نمایندگان و مجلس،
- ۳ - مجلس و قوه قضائیه،
- ۴ - مجلس و قوه مجریه

گفتنی است که نویسنده، از راجسای‌های آقای دکتر ابوالفضل قاضی بهره گرفته است.

* جایگاه مجلس

نهاد قانونگذاری به دلیل ساختار اساسی و روش انتخاب و کلا در کشورهای دموکراتیک جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. اهمیت و ارزش مجلس و برتری آن به عنوان یک نهاد دموکراتیک قانونگذاری، از آنجا ناشی می‌شود که مجلس، تبلور رأی مردم و خواستها و تمایلات اکثریت ملت است که به طور آزاد ابراز می‌گردد و نمایندگان با رأی عموم مردم در مسند قانونگذاری قرار می‌گیرند. از این رو مجلس، جایگاه والاتری، معمولاً در جوامع دموکراتیک داراست. درحقیقت میان جایگاه مجلس و مجلسیان (وکلائی ملت) با شیوه حکومت، رابطه کاملاً مستقیمی وجود دارد. ازآبادی و رونق «مجلس» است که امنیت و آسایش بر همه جا گسترده می‌شود و خرابی و ویرانی این «خانه»، در حقیقت، هدم آزادی و بدیهی‌ترین اصول انسانی و نابودی حق تعیین سرنوشت را در پی دارد.

در همین راستا هراندازه که شخص نماینده، از آزادی بیان بیشتری برخوردار باشد و بتواند خواسته‌های موکلینش را بیان کند و برای این بیان و خواسته‌ها مورد تعقیب و اذیت قرار نگیرد، پویایی و تحرک مجلس بیشتر خواهد بود؛ این تحرک به خارج از مجلس هم سرایت خواهد کرد و قانونمندی و حفظ و حراست از قانون، دیگر امری شخصی و یا تنها برعهده دولت نخواهد بود. همگان در این میان خود را مسئول و موظف به حمایت و حراست از

آن می‌دانند و در عمل به آن کوشا خواهند بود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجلس، عنوان والاترین جایگاه قانونگذاری داده شده است. اعمال قوه مقننه از طریق مجلس است و مصوبات آن برای اجرا به قوای مجریه و قضائیه داده می‌شود. در عین حال اصل تفکیک قوا برقرار است و هیچ قوه‌ای حق دخالت در امور و شئون قوه دیگر را ندارد. تنها مجلس است که نظارت و اشراف بر اعمال قوه مجریه داشته و در مورد انجام و یا عدم اجرای قوانین از مسئولین اجرایی کشور بازخواست می‌کند. این درحالی است که در مجلس عربستان که حالت کاملاً مشورتی و سمبولیک دارد، تصمیم‌گیرنده اصلی، هیأت وزیران و سپس شاه هستند (اصل ۶۷ قانون اساسی) و در کویت از طریق امیر کویت و مجلس (اصل ۵۱). از مقایسه مختصری که میان این دو نظام به عمل آمد (جمهوری و سلطنتی) به خوبی می‌توان نتایج و عواقب قانون و قانونگذاری را دریافت.

یکی از راههای شناخت جایگاه مجلس، اختیاراتی است که در قانونگذاری به آن داده می‌شود. هراندازه که این اختیارات دایره وسیع‌تری را دربرگیرد، پایگاه و الاتری را پیدا خواهد کرد و بالعکس. این امر در قانون اساسی ایران به طور خلاصه چنین آمده است که: «مجلس حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد» (اصل ۷۶) و «شرح و تفسیر تمامی قوانین عادی

بررسی گزارش سالانه دستگاههای دولتی، نظر مشورتی می‌دهند. (اصل ۱۵ نظامنامه مجلس).

در مورد عهدنامه‌ها و معاهدات بین‌المللی نیز در مجلس کویت، نمایندگان حق اظهار نظر ندارند و فقط جهت اطلاع به استماع آنان می‌رسد و دخالتی در رد و تصویب آن ندارند. (اصل ۷۰). در عربستان اما وضع اندکی متفاوت است، به این صورت که متن معاهدات به اطلاع اعضا می‌رسد و آنها حق بررسی آن را دارند، اما حق رد و یا تأیید و تصویب آنرا ندارند و این شخص شاه است که آنها را امضاء می‌کند.

در باره نمایندگان و جایگاه آنها در عربستان، به این نحو است که به طور کلی و مبهم آمده: اگر نماینده در کارهای نمایندگی اختلال کند حق تعقیب و مجازات با حکم شاه وجود دارد (اصل ۵ ن.م) و نمایندگان در مقابل شاه برای انجام وظایف نمایندگی می‌باید قسم یاد کنند. (اصل ۱۱). در حالی که در کویت نماینده، آزادی کامل در اظهار نظر دارد و کسی را در این باره دستی بر او نیست (۱۱۰) و جز در حالت ارتکاب جرم مشهود، بدون اجازه مجلس حق بازرسی، پی‌گیری و تعقیب ممکن نیست (اصل ۱۱۱) و نمایندگان فقط در مقابل مجلس قسم یاد می‌کنند (اصل ۹۱) ضمن اینکه شاه و ولیعهد نیز مقابل مجلس می‌باید سوگند یاد کنند. (اصول ۶۰ و ۶۳). گفتنی است که در مورد ایران در همین

در صلاحیت مجلس است» (اصل ۷۳) «تمامی عهدنامه‌ها و قراردادهای خارجی و همه آن چه که در خارج از مرزهای این کشور تعهدی ایجاد می‌کند، می‌بایست با تأیید مجلس انجام گیرد» (اصل ۷۷ و اصل ۸۱) «هر نماینده تنها در برابر ملت مسئول است» (اصل ۸۴) و مجدداً به جهت اهمیت حضور نمایندگان در جریان مسایل کشور در همین ماده آمده است که: «نماینده در برابر ملت مسئول و حق اظهار نظر در مسایل داخلی و خارجی کشور را دارد» (اصل ۸۴).

حال به سراغ مجالس دو کشور عربستان و کویت می‌رویم. امیر حق انحلال مجلس را دارد (اصل ۱۰۷) و پادشاه عربستان هم چنین حقی را برای خود قایل شده است (اصل ۶۸ قانون اساسی) با این تفاوت که در کویت نمایندگان از طریق انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند، ولی در عربستان این ویژگی وجود ندارد و همگی اعضای مجلس مشورتی منصوب پادشاه هستند. (اصل سوم نظامنامه مجلس).

در کویت نماینده فقط حق دخالت در امور داخلی را دارد و مجلس در امور خارجی دخالتی نمی‌تواند بکند (اصل ۱۱۴)، در حالی که همین حق نیز در عربستان از نمایندگان انتصابی دریغ شده است و نمایندگان در حوزه مصوبات هیأت وزیران حق اظهار نظر ندارند و علاوه بر آن در بررسی طرح‌های عمومی توسعه، مطالعه قوانین و معاهدات بین‌المللی، تفسیر قوانین و

زمینه می‌توان به کمیسیون خاص شکایات مردم از قوه مجریه، قوه قضائیه و حتی خود مجلس اشاره کرد.

در این زمینه آمده است: که هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. (اصل ۹۰). درکویت در این زمینه به این نحو عمل می‌شود که در زمره کمیسیونهای سالانه مجلس، یک کمیسیون هم به بررسی شکایات شهروندان می‌پردازد و موظف است تا نتیجه را به اطلاع شاکی برساند و در عین حال متذکر شده است که مجلس حق دخالت در اعمال هیچ‌یک از دو قوه را ندارد. (اصل ۱۱۵). این موضوع در قانون اساسی عربستان و نظامنامه مجلس مشورتی به چشم نمی‌خورد و در عوض دفاتر شاه و ولعهد به این منظور به شاکیان کمک می‌کنند.

* نمایندگان و مجلس

نماینده مجلس به جهت وکالتی که از طرف مردم برای قانونگذاری به او محول شده است از حالت یک شخص حقیقی درآمده و مبدل به شخصیتی حقوقی می‌شود. لذا جایگاه یک فرد عادی را از دست داده و به مقام والاتری که نیابت از مردم در امور مربوط به خودشان است را احراز می‌کند. توکیل در قانونگذاری، اهلیت و شایستگی خاصی می‌خواهد که برحسب قانون مشخص و معین است. در این نکته جای شک و ابهامی نیست که نمایندگان

درحقیقت آئینه تمام نمای اکثریت ملت هستند و از طریق شناخت یافت، انسجام، میزان آگاهی، تحصیلات، تجربه و... می‌توان به میزان دقت و هوشیاری مردم در انتخاب نمایندگانشان پی برد. در این قسمت به بحث از شرایط اختصاصی نماینده نمی‌پردازیم، بلکه به نقش نماینده مجلس توجه خواهیم نمود.

چنان که ذکر شد برخلاف عربستان، نماینده در پارلمان کویت حق دخالت و اظهار نظر و رسیدگی به شکایات مردم در هر امری را دارد. در قانون اساسی کویت آمده است که عضو مجلس، نماینده ملت است و لذا از تعرض هم مصون است (اصل ۱۰۸). تعیین نمایندگان و تعداد آنها در هر دو کشور متفاوت است. در عربستان تعداد نمایندگان ۶۱ نفر هستند که همه آنها را شاه عزل و نصب می‌کند. رئیس و نائب رئیس و دبیرکل را هم شاه عزل و نصب می‌کند (اصول ۳ و ۱۰)، در حالی که در کویت ۵۰ نفر و در ایران تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر می‌باشند و از طریق انتخابات و با رأی مخفی و مستقیم مردم برگزیده می‌شوند و تعیین رئیس، نائب رئیس، هیئت رئیسه و اعضای کمیسیونها و آئین‌نامه داخلی مجلس به عهده خود نمایندگان است (اصول ۹۳ - ۹۲). در عربستان مجلس و نمایندگان به تشکیل کمیسیونها می‌پردازند و کمیسیونهای تخصصی را تشکیل می‌دهند (اصل ۱۹) و به همین نحو در کویت نیز عمل می‌شود.

در قانون اساسی عربستان آمده است که نماینده مجلس از سمت نمایندگی خود در جهت منافع شخصی، حق بهره‌وری ندارد (اصل ۸) و جمع میان عضویت مجلس و مشاغل دولتی غیر ممکن است مگر با نظر شخص شاه (اصل ۹). در قانون اساسی کویت آمده است که فقط قانون حقوق و مزایای نمایندگی را تعیین می‌کند (اصل ۱۱۹) و دراصلی دیگر می‌افزاید که جمع میان عضویت مجلس و امور حکومتی مجاز نیست، مگر براساس قانون اساسی (اصل ۱۲۰). با این ویژگی که در کویت، وزرا از میان اعضای مجلس انتخاب می‌شوند؛ با این شرط که عده وزرا بیش از یک‌سوم اعضای مجلس نشود (اصل ۵۶). این مسأله در ایران وجود ندارد و نماینده یا می‌بایست نمایندگی کند و یا استعفا بدهد و وارد سایر مشاغل دولتی بشود و بالعکس. در کویت برای نماینده محدودیت‌های دیگری هم در نظر گرفته شده است که به طور خلاصه می‌توان گفت به خاطر نمایندگی نمی‌تواند وارد در معاملات دولتی یا مزایده و مناقصه‌ها بشود و در خرید و فروش‌هایی که یک طرف آن دولت است نیز نباید وارد بشود (اصل ۱۲۱). اگرچه مجلس بودجه مخصوص دارد (اصل ۲۷)، اما بررسی امور مالی مجلس تحت نظر شاه انجام می‌گیرد و اساسنامه داخلی و وظایف نمایندگان پس از تصویب به امضای شاه باید برسد (اصل ۲۹).

در مورد رسمیت مجلس، در عربستان مشابه ایران با حضور ۳ اعضا، مجلس رسمیت می‌یابد و ملاک در رأی‌گیری، اکثریت آراء است. (اصل ۱۶ عربستان) و (اصل ۶۵ ایران)؛ اما در کویت حضور بیش از نصف اعضا برای رسمیت مجلس کافی است و ملاک رأی‌گیری اکثریت مطلق نمایندگان حاضر است. (اصل ۹۷).

در مجلس کویت نماینده با یک امضاء حق پیشنهاد قوانین را دارد و با امضای ۵ نفر سیاست‌های دولت به استیضاح کشانده می‌شود. اما در مجلس عربستان چنین موردی پیش‌بینی نشده و همان‌طور که ذکر شد، مجلس، تشریفات و کاملاً مشورتی است.

گفتنی است که در ایران نماینده به طور فردی حق پیشنهاد قانون را ندارد، اما می‌تواند پس از طرح قانون در مواد آن تبصره و تغییراتی ایجاد کند و پیشنهاد بدهد. طرحها با ۱۵ امضاء بر صحن مجلس تقدیم می‌گردد و لوایح دولتی نیز پس از تصویب در هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود (اصل ۸۴).

جلسات مجلس در هر دو کشور مشابه ایران علنی است، مگر این‌که در شرایط خاص اضطراری با درخواست نمایندگان (۱۰ نفر) و یا امیر و یا رئیس مجلس جلسه غیرعلنی برگزار شود. (اصل ۹۴). در ایران به این صورت عمل می‌شود که در شرایط اضطراری به پیشنهاد رئیس جمهور یا وزیر

دارد که نشان از جایگاه ویژه این نهاد در کشور می‌باشد. برقراری حالت اضطراری و یا رفع آن، گرفتن و دادن وام و کمکهای خارجی، دادن امتیاز به خارجی‌ها و استخدام کسارشناس خارجی، در حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی می‌باشد. حال آن که عموماً دو مجلس کویت و عربستان از این مزایا محروم هستند (اصول ۷۹ تا ۸۲ قانون اساسی ایران).

مجلس و قوه مجریه

قوه مجریه، مهمترین نقش را در ایفای قوانین بازی می‌کند. هر اندازه که این نقش کنترل شده‌تر باشد و توسط نهاد قانونگذار تعدیل و تحت نظر باشد، امکان کنترل، بازرسی و ارزیابی، اجرا و اعمال قوانین بیشتر خواهد بود. در حقیقت قوه مجریه به نوعی بازاری اجرایی خواست و تمایل و اراده مردم است که در قالب مجلس ظهور می‌کند. در نظام‌های همانند ایران که مردم دو دفعه و طی دو مرحله، اجرای امور و قوانین مربوط به آن را مشخص می‌کنند، در حقیقت ضمن تفکیک قوا، قوه مجریه را مأمور انجام و اجرای قوانین مصوب مجلس می‌سازند و چارچوب قانونی کار آنها را

یا ۱۰ نفر نماینده این عمل انجام می‌شود (اصل ۶۹).^۱

در عربستان شاه حق انحلال مجلس را دارد و برای این کار دلیلی ذکر نمی‌شود، چراکه شورا کاملاً انتصابی است و لذا مسئولیت کامل را خود وی بر عهده می‌گیرد (اصل ۶۸ قانون اساسی)، اما در کویت این عمل هنگامی اتفاق می‌افتد که میان کابینه و مجلس اختلاف روی دهد. در این حالت امیر به رفع اختلاف برمی‌خیزد و اگر بر طرف نشد، وی حق دارد یا ولیعهد (نخست‌وزیر) را از منصب خود برکنار کند و یا این‌که مجلس «امه» را منحل کند. در این حالت پس از دو ماه انتخابات مجدد باید برگزار گردد. اگر مجدداً در همان موضوع اختلاف نظر حاصل شد، امیر ولیعهد را برکنار می‌کند^۲ (اصل ۱۰۲). البته در ایران درباره انحلال مجلس صحبتی نشده است و این اهمیت جایگاه مجلس را می‌رساند که در هر حال دیگر نهادها می‌باید تمایلات را در نظر بگیرند و محور ماندگاری و مشروعیت همه نهادها، مجلس شورای اسلامی است.^۳

تنها موردی که در قانون اساسی ایران در این زمینه پیش‌بینی شده، مربوط به زمان جنگ است، با این شرایط که رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند و مجلس با $\frac{2}{3}$ آراء و شورای نگهبان متفقاً تصویب کنند که انتخابات انجام نگیرد. در این حالت البته مجلس سابق به کار خود ادامه خواهد داد. (اصل ۶۸).

علاوه بر آن چه که در باب تصویب عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی گفته شد، مجلس ایران ویژگی‌های دیگری هم

۱- البته در مورد عربستان در بعضی موارد با اعضای اکثریت تصویب رئیس مجلس، مجلس می‌تواند پیشنهاد طرح قانون بدهد البته به شاه برای تصویب. (اصل ۲۳ عربستان).
۲- مصوبات مجلس عربستان پس از تصویب برای تأیید هیأت وزیران می‌رود و اگر اختلافی پیش آمد شاه نظر می‌دهد. (اصل ۱۷).

۳- در همین زمینه باید افزود که ممکن است نمایندگان مجلس انتخاب شده انتخابات را باطل اعلام کنند. این امر در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که اکثریت نمایندگان همان مجلس رأی بدهند (اصل ۹۵).

مشخص می‌کنند. اما در نظامهای سلطنتی وضع به گونه دیگری است و ما در منطقه خلیج فارس به دو نوع نظام سلطنتی برمی‌خوریم، در یکی سلطنتی مشروطه (کویت) که شاه و وزرا با رعایت نظر مجلس، اعمال و وظایف خود را انجام می‌دهند و در دیگری (عربستان) شاه مطلق‌العنان است و مجلس مشورتی چیزی جز نهادی سمبولیک نیست و همه چیز در اختیار شاه قرار می‌گیرد.

در مورد تصویب قوانین مجلس، در ایران لوایح هیأت دولت پس از تصویب در قوه مجریه به مجلس فرستاده می‌شود تا به مشورت گذاشته شود و قانونی بودن آن تأیید و یا رد شود. از طرف دیگر طرحهایی که از طرف نمایندگان به هیأت وزیران و قوه مجریه ابلاغ می‌گردد، نباید دارای باز مالی باشد و یا اگر هزینه برمی‌دارد، محل درآمد آن نیز می‌بایست مشخص گردد (اصول ۷۵). در مجلس کویت وضع به گونه دیگری است و آن به این شکل است که هیچ قانونی صادر نمی‌شود، مگر اینکه مجلس آن را تأیید و شاه آن را امضاء کند (اصول ۷۹). و در هرحال، هیچ قانونی نباید بدون تأیید مجلس اعمال شود و اگر به تصویب مجلس نرسید کان لم یکن تلقی می‌شود (۷۹ - ۷۱).

این امر در عربستان به شکل دیگری انجام می‌شود که طسی آن ابتدا در کمیسیونهای مختلف مجلس مطرح

و سپس به نظر و تأیید مجلس می‌رسد و برای تصویب به هیأت وزیران ابلاغ می‌گردد (اصول ۱۷).

در صورت وجود اختلاف میان مجلس و دولت (قوه مجریه) مکانیسم خاصی در هر سه کشور اعمال می‌شود. در ایران پس از این که طرحی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، به عنوان لایحه وارد مجلس می‌شود و آن جا پس از بحث و بررسی به رأی‌گیری گذاشته می‌شود و اگر رأی لازم را کسب نکرد، طبیعتاً رد خواهد شد و اگر اصلاحات لازم در آن انجام گرفت، مجدداً رأی‌گیری می‌شود و در هرحال نظر مجلس باید تأمین شود و از آن پس برای تأیید به شورای نگهبان فرستاده می‌شود. در این حالت اگر به تأیید شورای نگهبان رسید، در حکم قانون قرار می‌گیرد و قطعی و لازم‌الاجرا می‌شود، اما اگر شورای نگهبان مصوبه مجلس را رد کرد و مجلس نیز در مرتبه دوم همچنان بر نظرات خود پافشاری نمود، مسأله به شورای تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌شود تا در آنجا تصمیم لازم و مقتضی گرفته شود.

در عربستان روال دیگری انجام می‌پذیرد و در واقع مصوبات مجلس برای تأیید و تصویب قطعی به هیأت وزیران فرستاده می‌شود.

در ماده هفده نظامنامه مجلس آمده است که: مصوبات مجلس شورا به رئیس هیأت وزیران تقدیم و سپس در هیأت وزیران



رأی‌گیری دخالتی ندارد و خودش نیز موضوع رأی‌گیری (سوال یا استيضاح) قرار نخواهد گرفت.

در قانون اساسی کویت، در این زمینه ریزگیهایی به چشم می‌خورد. ابتدا این‌که امیر، مصون و غیرقابل تعقیب دراموری است که انجام می‌دهد (ماده ۵۴). دیگر این‌که موضوع رأی اعتماد مجلس به ولیعهد و نخست‌وزیر در حد صلاحیت مجلس نیست. (ماده ۱۰۲) و به غیر از این دو مورد هر وزیر در مقابل مجلس مسئول است (اصل ۱۰۱) و باید در ابتدای وزارتش برنامه‌های خود را به مجلس ارائه دهد و مجلس نیز حق اظهار نظر دارد (اصل ۹۸). هر نماینده حق دارد از رئیس‌الوزرا و هر یک از وزرا، سوال نماید و جواب حداکثر طی ۸ روز باید داده شود و این مسأله می‌تواند به رأی اعتماد نیز کشیده شود (به جز در مورد رئیس‌الوزرا). برای رأی اعتماد تنها ۱۰ امضا

جهت اظهار نظر مطرح می‌گردد و چنان‌چه بین هیأت وزیران و مجلس شورا، اتفاق نظر حاصل شود، مورد پس از موافقت پادشاه به تصویب نهایی می‌رسد و در صورت اختلاف رأی، پادشاه به صلاح دید خود اقدام می‌نماید. (ماده هفده نظامنامه مجلس).

در کویت به این نحو عمل می‌شود که هرگاه مجلس نتواند با رئیس‌الوزرا همکاری کند و اگر اختلافی در این زمینه رخ دهد، مسأله به امیر کویت ارجاع می‌گردد و امیر در این مورد اختیار انحلال مجلس و یا استعقای نخست‌وزیر را دارد. اگر مجلس را منحل کرد و مجلس جدید هم به توافق با نخست‌وزیر نرسید، وی از منصب خود معزول خواهد شد. (ماده ۱۰۲ قانون اساسی).

درباره نقش ویژه مجلس در کنترل قوه مجریه و نظارت بر اعمال آن، باید متذکر شد که در عربستان در این زمینه هیچ مطلبی ذکر نشده است و این به دلیل آن است که مجلس صرفاً در حکم مشورتی بوده و حتی از تصویب قانون هم عاجز است و در حد پیشنهاد و توصیه به نهاد هیأت وزیران و پادشاه عمل می‌کند و لذا مسأله رأی اعتماد و عدم اعتماد مجلس به وزرا و نخست‌وزیر و مسئولیت و پاسخگویی آنها مقابل مجلس عملاً منتفی است. فقط در ماده ۲۲ نظامنامه آمده است که: رئیس مجلس شورا می‌تواند درخواستی مبنی بر حضور هر یک از مسئولین در جلسات شورا را به رئیس هیأت وزیران بدهد که این فقط در حد بررسی مسایل ذیربط خواهد بود و عملاً در

را دارند و اگر بخواهند، مجلس پاره‌ای از وقت خود را برای استماع سخنانشان اختصاص خواهد داد (اصل ۷۰).

اکنون که به ویژگیهای سه مجلس و نقاط افتراق و اشتراک آنها پرداختیم، شایسته است مروری گذرا بر اختصاصات مجلس شورای اسلامی داشته باشیم.

- برخلاف دو کشور عربستان و کویت، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس است و فقط مجلس حق قانونگذاری دارد و مصوبات آن برای اجرا به دو قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد. در امور حیاتی و مسایل مهم، اعمال قوه مقننه از طریق آرای عمومی در رفواندوم است (اصول ۵۸ و ۵۹).

- ویژگی دیگر، وجود اقلیتهای مختلف دینی در مجلس شورای اسلامی است. در دو کشور کویت و عربستان، اقلیتها هیچ نماینده‌ای ندارند. در حالیکه از ۲۷۰ نفر کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۵ کرسی به شرح زیر به اقلیتهای دینی اختصاص داده شده است:

یک نماینده	زرتشتیان
یک نماینده	کلیمیان
یک نماینده	مسیحیان آشوری و کلدانی
یک نماینده	مسیحیان ارمنی جنوب
یک نماینده	مسیحیان ارمنی شمال

- مهمترین ویژگی مجلس شورای اسلامی در این است که طبق اصل ۷۲ هیچ‌یک از مصوبات مجلس که مخالف با

کافی است و رای عدم اعتماد اکثریت حضار را می‌طلبد به جز وزرا. (اصول ۱۰۰ و ۹۹). البته در این خصوص در ایران به این روش عمل می‌شود که رئیس جمهور برای هیأت وزیران پس از تشکیل باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد (اصل ۸۷). ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است و در برابر مجلس مسئول اقدامات هیأت وزیران است. (اصل ۱۳۴) و البته هر وزیر مسئول وظایف خود در برابر رئیس جمهور و مجلس است و ایضاً در برابر اموری که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز هست. (اصل ۱۳۷).

نمایندگان مجلس حق استیضاح و سؤال از رئیس جمهور و وزرا (چه فردی و چه در قالب هیأت وزیران) را دارند و به این نحو عمل می‌شود که هرگاه $\frac{1}{4}$ کل نمایندگان $\frac{1}{10}$ از رئیس جمهور و یا حداقل یک نفر از نمایندگان از هسریک از وزرا درباره وظایفشان سؤال کننده، رئیس جمهور یا وزیر، موظف به حضور در مجلس می‌باشد.

استیضاح نیز به همین صورت است و حداقل با ۱۰ امضا در مورد هر وزیر و $\frac{1}{3}$ کل نمایندگان در مورد رئیس جمهور عملی است. رأی عدم اعتماد، آراء اکثریت را می‌طلبد، ولی رأی عدم کفایت رئیس جمهوری اکثریت $\frac{2}{3}$ کل نمایندگان را باید داشته باشد (اصل ۸۹).

علاوه بر این رئیس جمهور، وزرا و معاونین آنها حق شرکت در جلسات مجلس

قانون اساسی و مذهب اسلام باشد، به اجرا در نمی آید. برای نظارت بر مصوبات مجلس نهاد شورای نگهبان به وجود آمده است که مرکب از شش نفر فقیه به انتخاب رهبر و شش نفر حقوقدان یا انتخاب رئیس قوه قضائیه و تأیید مجلس می باشند و هدف از تشکیل شورای نگهبان، بررسی مصوبات مجلس از جهت عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی است. مصوبات مجلس بدون تأیید شورای نگهبان اعتبار نخواهد داشت. (اصل ۹۳).

- از ویژگیهای خاص مجلس شورای اسلامی، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور است. مجلس و هر نماینده ای حق دارد در هر امری که به مصالح کشور مربوط می باشد، وارد بشود و از دست اندرکاران توضیح بخواهد و به ارزیابی بپردازد و یا در این زمینه خاص دست به تشکیل کمیسیون ویژه بزند.

- تصویب عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادهای و موافقتنامه های بین المللی، کلاً بر عهده مجلس شورای اسلامی است و تنها

پس از تصویب مجلس است که رئیس جمهور حق امضا پیدا می کند و معاهدات رسمیت پیدا می کنند. همچنین گرفتن و دادن وام یا کمکهای بلاعوض داخلی و خارجی، دادن امتیاز تشکیل شرکتهای و موسسات به خارجیها، برقراری حکومت نظامی، استخدام کارشناس خارجی کلاً ممنوع و غیرقابل اجراست. مگر این که تحت شرایطی مجلس اجازه بدهد.

- سؤال، استیضاح و رأی عدم اعتماد به دولت، وزرا و رئیس جمهور، از خصایص ویژه مجلس شورای اسلامی است که دو کشور دیگر مخصوصاً عربستان فاقد آن می باشند. نکات فوق اهم ویژگیهای مجلس شورای اسلامی را در مقایسه با دو کشور عربستان و کویت بیان می کند. خصوصیات فوق خود دلیل قاطع و محکمی است بر این که در میان کشورهای حوزه خلیج فارس و بسیاری از کشورهای خاورمیانه چنین مجلسی نظیر ندارد و نمایندگان از جایگاه والایی برخوردار هستند و ملت حق تعیین سرنوشت خود را به صورت مستقیم و غیر مستقیم در دست دارد.